

یکبار دیگر ثابت شد، فرهنگ تزریقی نیست و باید از درون بجوشد

شکست پروژه فرهنگی ۲۰۳۰ سعودی



محمدحسین سلطانی خبرنگار گروه فرهنگ

سال ۲۰۱۶ محمد بن سلمان مقابل میکروفن ۷ خبرگزاری سعودی – که همگی تحت مالکیت خودش هستند – ایستاد و اعلام کرد یک سند بلندپروازانه را به نام چشم انداز ۲۰۳۰ تصویب کرده؛ چشم اندازی که تنها در یکی از بندهایش اعلام شده بود، عربستان تا ۱۴ سال دیگر باید ۱۰۰ میلیون گردشگر سالانه داشته باشد. این در حالی است که درست در همان سال میزان گردشگرهای امارات متحده عربی و ترکیه به ترتیب ۱۴/۹ و ۲۵ میلیون نفر بود و این یعنی آنچه عربستان می‌خواست، چهار برابر بزرگ‌ترین صنعت گردشگری منطقه در سال ۲۰۱۶ بود. عربستان برای این طرح بلندپروازانه چند استراتژی داشت که مهم‌ترینش برگزاری رویدادی به نام «موسم سعودیه» (فصل‌های سعودی) بود. «موسم سعودیه» همان استراتژی‌ای است که جام حذفی اسپانیا و ایتالیا، جینفر لوپز، شاهرخ‌خان و باقی چهره‌ها و سلبریتی‌ها را به عربستان آورد. هدف رویداد «موسم سعودیه» یک چیز بود؛ عربستان پایگاه اول سرگرمی در جهان بشود؛ پایگاهی که می‌خواست مهم‌ترین رویدادهای سرگرمی در جهان را به جنوب غرب آسیا بیاورد. «موسم سعودیه» از سال ۲۰۱۹ تا امروز در دو شهر ریاض و جده برگزار شده. البته آنچه اهمیت دارده نه موسم جده، بلکه موسم پایتخت است. کارکرد این رویداد چیست؟ از آنجایی که عربستان در تابستان قابل تحمل نیست و ساکنان کاخ الیمامه هنوز فکری برای بارور کردن ایرها نکرده‌اند، این کشور تنها از اکتبر تا مارس سال بعد می‌تواند پذیرای مردم باشد. به همین دلیل در این بازه تمام رویدادهای سرگرمی در دو شهر جده یا ریاض متمرکز می‌شود و اداره کل سرگرمی عربستان به کار می‌افتد. رویدادهایی که حالا مهم‌ترین بازوی تبلیغاتی سعودی‌ها شده‌اند.

موسم ریاض چه بود و چه کرد؟

سال اول اداره کل سرگرمی عربستان اعلام کرد، موسم ریاض حدود ۱۰ میلیون بازدیدکننده داشته است. خبرگزاری اسپا، یعنی خبرگزاری رسمی عربستان سعودی هم این آمار را منتشر کرد. این آمار ژانویه سال ۲۰۲۰ منتشر شد و تا اعلام آمار بعدی حدود دوسال زمان برد؛ دلایلش چه بود؟ کرونا. همه‌گیری برنامه‌های سعودی را بر هم زد و همه‌چیز را تا اکتبر ۲۰۲۱ به تعویق انداخت. آمارهای دومین دوره موسم ریاض فوریه ۲۰۲۲ منتشر و اعلام شد؛ حدود ۱۱٫۸ میلیون گردشگر داخلی و خارجی از موسم ریاض دوم بازدید کرده‌اند. چند ماه بعد و در اکتبر ۲۰۲۲ دوره بعدی ۱۲ میلیون مخاطب به موسم ریاض آمدند و کم‌کم عربستان برنامه‌های پرزرق و برقش را آغاز کرد. ورنالدو، امپایه، مسی، نمار و دوستان در ورزشگاه ملک فهد بازی دوستانه‌ای گذاشتند و اداره کل سرگرمی عربستان تا توانست بلیت فروخت. شاید این دقیقاً نقطه آغاز باز شدن پای سلبریتی‌ها و گردشگران خارجی به عربستان بود. سعودی‌ها به ۹ کشور اجازه دادند که گوشه‌هایی از شهر را به عنوان مناطق خودشان انتخاب و شمایل فرهنگی خود را بر پا کنند. این یعنی ریاض به جای آنکه مانند دبی خصوصییتی عربی پیدا کند، بدل به شهری مولتی‌کلچر (چند فرهنگی) بشود. نکات قابل توجه این است که رئیس اداره کل سرگرمی عربستان، ترکی آل‌شیخ که بازو و مغز متفکر پشت تمام این رویدادها بود، با توجه به حضور مفتی‌ها، جرئت نکرد مدل

مولتی‌کلچر را در جده پیاده کند. باین حال تغییرات فعلی کافی نبود و سعودی‌ها نیاز به طرح بلند پروازانه‌تری برای دوره چهارم داشتند. در دوره چهارم ترکی آل‌شیخ اعلام کرد کل هویت موسم ریاض تغییر می‌کند و وعده «big time» را داد. بانک ملی عربستان سعودی پشت موسم ریاض قرار گرفت. نکته قابل توجه اینجاست که مقامات سعودی تاکنون هیچ آماری از هزینه‌های انجام شده برای راه‌اندازی موسم ریاض اعلام نکرده‌اند، اما تنها به همین نکته می‌شود اشاره کرد که برای راه‌اندازی بخش ورزشی موسم ریاض و راه‌اندازی زیرساخت‌های آن مانند هزینه‌های ساخت ورزشگاه‌های مختلف و پارک‌های ورزشی و...، حدود ۲۳ میلیارد دلار هزینه شده؛ رقمی که حدوداً چهار برابر بودجه عمرانی کشور ما در سال جاری است. در دوره چهارم با هزینه‌های بانک ملی عربستان جهشی عجیب اتفاق افتاد؛ میزان بازدید به حدود ۲۰ میلیون نفر رسید و رویدادهایی چون مسابقات بوکس، MMA، WWE و البته کنسرت‌های موسیقی مختلف در ریاض برگزار شد. از طرفی فینال کوپا ایتالیا و اسپانیا هم در ریاض برگزار شد و این یعنی تمام آنچه را در چنته داشت، به ظهور رساند.

آغاز ساختارشکنی

دوره پنجم موسم ریاض با یک ساختارشکنی جدی آغاز شد و عربستان رویداد مُد الی ساب را با حضور سلن دیون و انبوهی از ستارگان بازیگری و مُد در ریاض برگزار کرد و از طرفی در جده هم به جای آنکه صرفاً با هندی‌ها جایزه فیلم دریای سرخ را برگزار کند، چهره‌های مختلفی را از ایتالیا و آمریکا به جده آورد. در شهری که پایگاه اصلی مفتی‌های عربستان است. حالا نه‌تنها ریاض به یک شهر مولتی‌کلچر بدل می‌شد، جده هم این ویژگی را دنبال می‌کرد. باین حال برخلاف آمارهای موسم ریاض که به‌صورت فصلی و کلی اعلام می‌شود، اداره کل سرگرمی عربستان و ترکی آل‌شیخ چندان تمایلی به اعلام بازدیدکنندگان رویداد موسم جده ندارند و تنها دو مرتبه آمارهای موسم جده اعلام شده است. یکی در سال ۲۰۲۲ که عدد ۶ میلیون بازدیدکننده و دیگری در سال ۲۰۲۴ که عدد ۱٫۷ میلیون بازدیدکننده اعلام شد. رقمی که نشان می‌دهد موسم جده با افتی ۴٫۳ میلیون نفری از مخاطبانش مواجه شده است. این ماجرای کاهش میزان بازدیدکنندگان در ریاض به گونه دیگری رقم خورده است. بر خلاف دوره چهارم که جهشی بیش از ۱٫۵ برابری داشت، حالا میزان بازدیدکنندگان روی ۲۰ میلیون متوقف شده و اداره کل سرگرمی عربستان که با پیش از سال ۲۰۲۴ اعداد دقیق بازدیدکنندگان را اعلام می‌کرد، به گفتن اعداد کلی بیش از ۲۰ میلیون

نفر، شفاف‌سازی را خلاصه می‌کند. ماجرای کاهش گردشگرها تنها به «موسم سعودیه» خلاصه نمی‌شود. آمارهای شرکت‌گنندگان در مراسم حج نیز در عربستان سعودی از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ صعودی بوده اما در سال ۲۰۲۴ با کاهشی ۱۰ میلیون نفری مواجه شده و بر اساس آمارهای رسمی میزان شرکت‌گنندگان حج سال ۲۰۲۵ کمتر از ۱۹ میلیون نفر است. با تمام این‌ها در سال ۲۰۲۴ بن سلمان دستوری عجیب به ترکی آل شیخ داد.

ماجرای افزایش کاذب

سال ۲۰۲۴ بن سلمان به ترکی آل‌شیخ دستور داد در افق ۲۰۳۰ به جای ۱۰۰ میلیون بازدیدکننده روی عدد ۱۵۰ میلیون بازدیدکننده سرمایه‌گذاری کند، چرا؟ چون تاکنون به عدد ۱۰۰ میلیون نفر و ۶ سال زودتر از زمان‌بندی رسیده‌اند. باین حال صحبت‌های بن سلمان بر اساس آمارها عجیب به نظر می‌رسند. اگر میزان شرکت‌گنندگان در حج عمره و تمتع در بالاترین میزان خود و میزان بازدیدکنندگان موسم جده و ریاض را در بالاترین حد خود جمع بزیم، میزان گردشگران سعودی به ۶۰ میلیون بازدیدکننده نمی‌رسند؛ اما مقامات سعودی تلاش دارند اعلام کنند بازدیدکنندگانشان بیشتر از این حرف‌هاست و در فاصله چندسال مچ ترک‌ها را در صنعت گردشگری منطقه خوابانده‌اند. سؤالی که پیش می‌آید این است که چقدر سعودی در این سال‌ها با برگزاری مراسمی چون موسم ریاض به سود رسیده است. آمار دقیق وجود ندارد؛ اما برآوردها می‌گویند در بهترین حالت کمتر از یک میلیارد دلار سود سالانه. حالا این رقم را بگذارید کنار همان ۲۳ میلیارددلازی که برای یک قلم هزینه بلوار ورزش انجام شد. البته همین رقم یک میلیارد دلار هم در خوش‌بینانه‌ترین حالت است و برآوردهایی هم این آمار را حدود ۵۰۰ میلیون دلار اعلام کردند. آمارهایی که نشان می‌دهد سعودی‌ها با واقعیت مواجه شده‌اند و حالا تعداد رویدادهای در حال برگزاری در سعودی به‌شدت کاهش پیدا کرده است. تا جایی که از نظر تعداد هم تعداد رویدادهای در حال برگزاری در ۲۰۲۵ نسبت به ۲۰۲۴ تا حدود نصف کاهش پیدا کرده است. شاید بشود مجموعه آنچه انجام شده را با یک مثال ساده توضیح داد. عجیب به نظر می‌رسد؛ اما نگاهی به صفحه اینستاگرام ترکی آل‌شیخ رئیس اداره کل سرگرمی عربستان بیندازید. او حدود ۳۳ میلیون دنبال‌کننده دارد، یعنی چیزی به‌اندازه جمعیت عربستان. حالا نگاهی بیندازید به‌اندازه لایک‌ها و کامنت‌ها. مثل اینکه فیک زدن تنها راهکار رسانه‌ها نیست و دولت‌ها هم دستی بر آتش دارند!

میزان بازدیدکننده داخلی و خارجی موسم ریاض در ۵ دوره قبلی برگزارشده (و پیش‌بینی دورهٔ درحال برگزاری)		
دوره‌ها	میزان بازدیدکنندگان (اعلامی توسط اداره کل سرگرمی عربستان)	مراسم و اقدامات برجسته
دوره اول	بیش از ۱۰ میلیون	آغاز هزینه برای ساخت زیرساخت‌هایی همچون بلوار ورزش و...
دوره دوم	۱۱٫۸ میلیون	برگزاری کنسرت موسیقی و آوردن چهره‌های WWE به ریاض
دوره سوم	۱۲ میلیون	برگزاری مسابقه بین منتخب ریاض و پاریس سنت ژرمن (با حضور ستاره‌های فوتبال)
دوره چهارم	۲۰ میلیون	برگزاری سوپرکاپ ایتالیا و اسپانیا در ریاض و مسابقات بوکس و کشتی‌کج
دوره پنجم	بیش از ۲۰ میلیون	برگزاری رویداد مُد الی ساب و فینال لیگ قهرمانان آفریقا و...
دوره ششم	حدود ۲۰ میلیون بازدید (احتمالی)	برگزاری مسابقات فوتبال آمریکایی و چند مسابقه تنیس، بوکس و کشتی‌کج

دربارهٔ هجْمهٔ زردنویسان موسیقی به محسن چاوشی بعد از قطعۀ «بامداد خمار»

پاپاراتزی‌ها علیه چاووش خوان



عاطفه جعفری دبیر گروه فرهنگ

محسن چاوشی از معدود خوانندگانی است که مرز میان مردم و هنرمند را از میان برداشته است. او در تمام سال‌هایی که بر صحنه موسیقی ایران حضور داشته، نه به شهرت به معنای متداول آن دل بسته و نه به دنبال ساختن تصویری تبلیغاتی از خود بوده است. سکوتش همیشه معنا داشته و هر بار که آهنگی جدید خوانده، معنا و پیامی ورای صدا در کلامش نهفته بوده. شاید همین صداقت در بیان و بی‌پریاگی در نگاه است که او را از بسیاری از هم‌نسلانش متمایز کرده و باعث شده محسن چاوشی نه فقط یک خواننده، بلکه پدیده‌ای اجتماعی باشد. از نخستین سال‌های ظهورش در موسیقی پاپ تا امروز، ردپای دغدغه‌های انسانی، اجتماعی و میهنی در آثارش آشکار است. از ترانه‌هایی که برای خوزستان خواند و در آن رنج و مقاومت مردم جنوب را فریاد زد، تا قطعۀ «علاج» که در روزهای پراشتاب جنگ ایران و اسرائیل منتشر شد و یادآور اسقامت مردم این سرزمین بود، همه این‌ها نشان می‌دهد که وطن برای چاووشی تنها یک واژه نیست و مفهومی درونی و زیسته است. در بسیاری از آثارش می‌توان عشق به خاک، مردم و انسانیت را دید، نه به‌صورت شعاری، بلکه در لایه‌های عاطفی و شخصی صدایش. او در تمام این سال‌ها صدای مردمی بوده که شاید امکان بیان احساساتشان را نداشته‌اند. صدای خش‌دار، پرطنین و خاصش حامل نوعی صراحت و درد است. او برای بسیاری از مخاطبانش نه صرفاً خواننده، بلکه نماینده احساسات نسل خود است؛ نسلی میان امید و ناامیدی، عشق و واقعیت، رنج و مقاومت.

با انتشار تازه‌ترین اثرش «بامداد خمار»، بار دیگر نام چاوشی به صدر گفت‌وگوهای موسیقایی بازگشته است. این بار او سراغ غزلی از حافظ رفته؛ غزلی پر از عشق، انتظار و حسرت. انتخاب چنین متنی در زمانی که ترانه‌های پاپ بیشتر حول روابط زودگذر و احساسات سطحی می‌چرخند، تصمیمی جسورانه است. چاوشی با صدای خود این شعر را از کتاب به جان مردم آورده، بی‌آنکه بخواهد در فرم موسیقی سنتی گرفتار نشود یا در چهارچوب پاپ بماند. او میان این دو فضا پل می‌زند و در نتیجه، اثرش رنگ‌وبویی تازه پیدا می‌کند.

اما واکنش‌ها به این آهنگ دوگانه بود. برخی معتقدند چاوشی در «بامداد

خمار» از قدرت پیشین خود فاصله گرفته و دیگر آن شور و جسارت آثار گذشته را ندارد. در مقابل، طرف‌داران او که همواره بدنه اصلی شنوندگان موسیقی پاپ را تشکیل می‌دهند، نظر دیگری داشتند و می‌گویند چاوشی همان است که همیشه بوده؛ صادق، متفکر و وفادار به احساس. واقعیت شاید جایی میان این دو دیدگاه باشد. «بامداد خمار» بیش از آنکه بخواهد شوک ایجاد کند، می‌خواهد آرام کند. در این اثر خبری از فریاد نیست؛ بلکه تأمل، سکوت و عمق جای آن را گرفته است. چاووشی در این کار صدای خود را نرم‌تر کرده و اجازه داده واژه‌های حافظ، با ریتمی آرام و سازبندی سنجیده، پیامشان را منتقل کنند. اگر آثار پیشین او فریاد بودند، «بامداد خمار» نجواست. چیزی که همیشه در آثار او شنیده شده است.

نکته جالب اینجاست که در فضایی مجازی، برخلاف برخی نقدهای محدود و جهت‌دار، مردم از این قطعۀ استقبال کردند. در کمتر از چند روز، میلیون‌ها بار پخش شد و کامنت‌های کاربران پر بود از واژه‌هایی چون «آرامش»، «اصالت» و «یاد قدیم». این واکنش نشان می‌دهد ارتباط میان چاوشی و مخاطبانش همچنان برقرار است. مردم به دنبال صداقت هستند و چاوشی هنوز همان صدای صادق و بی‌ریاست.

بایسد به‌خاطر داشت که در

موسیقی ایران، کمتر هنرمندی

توانسته طی دو دهه محبوب باقی

بماند و هم‌زمان مسیر هنری‌اش را

تغییر دهد. محسن چاوشی این مسیر

را با جسارت پیموه است. از «په شاخه

نیلوفر» و «پاروی بی‌قایق» تا «قمارباز»

و «علاج»، او در هر دوره‌ای روایتی تازه

از خودش ارائه داده و نشان داده که به بلوغ

هنری رسیده است. در «بامداد خمار» نیز

نگاهی به انتخاب نامزدها و برگزیدگان جشنوارهٔ فیلم کوتاه

فیلم‌های خوب را از قطار پیاده کردند



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران هم به خط پایان رسید تا در آینده بیش از هر چیز خاطره‌ای از آن باقی بماند. فیلم‌ها در بخش‌های مختلف داستانی، بین‌الملل، پویانمایی، تجربه‌و... به نمایش درآمدند و منتخبان خود را نیز شناختند. با هر عبثی که بخواهیم به فستیوال فیلم کوتاه بنگریم نمی‌توانیم منکر این واقعیت شویم که تعداد آثار خوب و قابل‌بحث در این مدیوم بیش از سینمای بلند داستانی است و همین مسئله نیز گاه در مقوله داوری بحث‌برانگیز می‌شود. پس بدیهی به نظر می‌رسد که تعدادی از آثار شائنی برای برنده‌شدن در رشته‌های مختلف جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران نداشته باشند.

با این تفاسیل، فیلم‌ها و فیلم‌سازانی در چهل‌ودومین دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران حضور داشتند که علی‌رغم شایستگی شائنی برای حضور در میان نامزدها و برگزیدگان پیدا نکردند و دست‌خالی «ایران مال» را ترک کردند. در ادامه به تعدادی از این آثار خواهیم پرداخت.

■ ■ ■

فیلم کوتاه «پیام‌بر» به کارگردانی احسان عابدینیا که تا پایان دومین روز جشنواره فیلم کوتاه تهران جزء آثار برگزیده تماشاگران بود، پس از اعلام فهرست نامزدها جایی –ولو حاشیایی– در میان آثار منتخب پیدا نکرد و به‌طورکل هیچ اعتنایی به آن نشد. این مسئله کاملاً بدیهی است که داوران در ارزیابی خویش از فیلم‌ها نباید تابع جمع باشند و نگاه مخاطبان بر انتخاب آثار اثر قطعی و حتمی نگذارد، اما «پیام‌بر» بر مبنای تمامی ارزش‌های زیبایی‌شناسانه فیلمی بود که نمی‌شد از کنارش به‌سادگی گذشت و آن را در هیچ رشته‌ای حتی لایق حضور در میان نامزدها هم ندانست. «پیام‌بر» اقتباسی از مجموعه داستان‌های «روزهای پیام‌بری» بود، ولی خوشبختانه باعث نشد تا فیلم‌ساز درگیر وفاداری به متن کتاب و مسائلی ازاین‌دست شود. به‌عبارت‌دیگر پیام‌بر رها از وابستگی به نقطه انکای داستانی‌اش در اجرا خودبسنند و قائم به ذات جلورفت تا مخاطب اثر را بدون هیچ تعلقی به متن داستان و عنوان اثری کاملاً مستقل ضاوت کند. پرداخت تماماً ایرانی به سـوزۀ شهادی بسجیحی آن‌هم فارغ از تعلقات زائری مُدشده در حال‌وهوای این روزهای سینمای ایران اتفاق خوشایندی بود که به‌هیچ‌وجه چشم داوران محترم جشنواره را نگرفت و آن‌ها به‌سادگی از کنارش گذشتند.

دوستداران و مخاطبان هدف فیلم‌های کوتاه، محمدابراهیم شهبازی را با «بدرود پاریس» – که سال گذشته در همین رویداد اکران شد– می‌شناسند. او این بار با «دریچه» به جشنواره فیلم کوتاه تهران بازگشته بود و قصد داشت موفقیت‌های سال گذشته‌اش را در قالب یک سـوزۀ نسبتاً انضمامی و متناسب با اتفاق‌های روز تکرار کند؛ اما این اثر برخلاف فیلم قبلی شهبازی و با وجود برخورداری از لطف و مرحمت اهالی رسانه و مخاطبان فستیوال در هیچ بخشی حتی کاندیدای دریافت جایزه نشد. فیلم داستان یک پیرمرد تنها در جنگ تحمیلی ۱۲روزه را روایت می‌کرد و به‌عنوان تنها فیلم کوتاه، آن روزها و اتفاقاتش را نمایندگی می‌کرد. فیلم حداقل در بُعد فیلمنامه و کارگردانی می‌توانست جایی در میان فیلم‌های برگزیده پیدا کند، ولی ترجیح بر این بود که «دریچه» در این جشنواره مطرح نشود تا شاید بخشش را در جای دیگر و در فستیوال متفاوتی جست‌وجو کند. «اسپایدر مرد» تلاشی پارودیک در ابرانیزه کردن قسمت نخست فیلم سینمایی «مرد عنکبوتی» به کارگردانی «سمی ریمنی» بود که حسین ذوالفقاری در مقام کارگردان و ایده‌پرداز اثر به‌خوبی توانست از پس آن برپایید و لحظات مفرحی را برای تماشاگران حاضر در سینما به از مغان بیاورد. در هنگام تماشای «اسپایدر مرد» می‌شد به‌طور واضح علاقه سینه‌فیلیایی کارگردان و لذتی که از بازسازی بامزه‌اش از اصل داستان «مرد عنکبوتی» برده را به عینه مشاهده کرد. فیلم در یک موقعیت کوچک و ایضاً مُشخص داستانش را روایت می‌کند و بودجه ساخت آن نیز حتی به‌اندازه یک تیزر کوچک تلویزیونی هم نیست؛ اما این ایده و فکر پشت آن است که باعث می‌شود مخاطب از تماشای تصاویر متحرکی که‌روی پرده مشاهده‌می‌کند، لذت ببرد. با همه این‌ها؛ اما «اسپایدر مرد» چشم داوران جشنواره را نگرفت و در هیچ رشته‌ای علی‌رغم شایستگی‌ها نامزد نشد.

اگر بخواهید دلنتگی فرزندان شهید را در فقدان پدر خانواده را بر پرده عریض سینما ترسیم کنید شاید به موارد معدود، تکراری و انگشت‌شمارای بر بنخورید که هیچ بداعتی در طرح و ایده و همچنین خلاقیتی در اجرای آن‌ها وجود ندارد. «خیلی خیلی دور و بسیار نزدیک» از این قاعده مرسوم به‌طورکل مستثنی است و احمد حیدریان در مقام کارگردان اثر به دلنتگی بُعد جدیدیی می‌فشد و آن را به خیال‌کودکان و بازیگوشی‌های آنان پیوند می‌زند. فیلم انکای ویژه‌ای بر تکنیک و جلوه‌های ویژه دارد؛ اما برخلاف قاطبه آثار به‌نمایش‌درآمده در سینمای بلند و کوتاه ما در بند تعلقات تکنیکی نمی‌شود و تلاشی را در راستای رسیدن به فرمی هنری آغاز می‌کند. اما با همه این احوالات، «خیلی خیلی دور و بسیار نزدیک» جایی در میسان انتخاب‌ها پیدا نمی‌کند و بیرون از دایره فیلم‌ها محبوب جشنواره می‌ایستد. قواعد بازی مشخص است؛ وقتی شما پا در فستیوالی می‌گذارید خودبه‌خود قواعد آن را نیز پذیرفته‌اید، ولی این به معنای آن نیست که سلاخی شخصی افراد در ارزیابی فیلم‌ها نقشی محوری بازی کند.

